



داکتر سید عبدالله کاظم

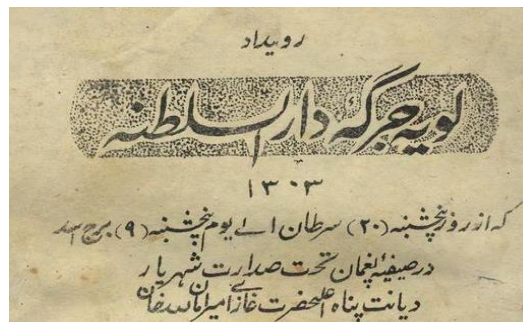
به همکاری: محمد ایاز نوری (آزادی) و نازک میر زهیر

14 آگست 2016

## "رویداد لویه جرگه دارالسلطنه 1303"

(به تقریب نود و هفتمین سالگرد استرداد استقلال افغانستان)

(قسمت چهارم)



د پانو شمیره: له 1 تر 9

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلېکنې د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ

## ورود لویه جرگه در صفیه پغمان

خطابه غرای فوق همایونی مقارن بساعت (۱۱:۳۰) شرف اختتام را پذیرفته ذات جهانبانی عازم پغمان گشته برای مهمانان کرام لویه جرگه بتوسط شاغاسی صاحب حضوری علاوه بر هدایت ذات همایونی هدایت رفت که الیوم نیز بترتیبی که سابق برین در اصول بودوباش و صرفیات اطعمه شان بعمل آمده بود، در خود کابل بسر برده سر از فردا که روز دوشنبه (۲۲) سرطان است عزیمت فرمای پغمان شوند، چنانچه بفردای آنروز مدعوین کرام لویه جرگه فرقه فرقه و طایفه طایفه با یک عالم مسرت و یک جهان فرحت جاده پیمای صوب مقصد گردیده بجاهای مزین و کوتیهای نهایت اعلی که پیش از تشریف آوری شان تخصیص و تعیین گردیده در مقابل هر کوتی لوحه را که از آن محل نشمین و بودوباش هر جمعیت و اسامی مهماندار های شان معلوم و مفهوم و مقام وکلاء هر سمت تمیز میگردید، نصب شده بود تا هر کدام از مدعوین محترم بی آنکه یک تفحص را به کار برند، علی حسب مراتب هم به مقامات معینه خویش رجعت کنان اخذ مقام نمودند. علاوه بر آن مقامات که برای مدعوین متخصص گردیده بود، برای ملازمان آنها نیز علیحده در قرب هر کوتی بعضی را خیمه و برخی را به بیت الخدمای آن جایزاده جهت اسپها و اشتر های شان که با خود آورده بودند، نیز انتظامات لازمه جو و کاه و تیمار داری تعیین گردیده بود.

## ترتیبات مهمانی لویه جرگه

چون نظر مرحمت اثر اعلیحضرت مان برین نکته بود که برای احدی از مدعوین و ملازمین تکلیفی عاید نشود و از هیچ طرف پریشانی بدوشان لاحق نگردد، چایدار خانها، آبدار خانها، کارخانهای طبایخی، میوه دار ها و دیگر لوازمات اکل و شراب [نوشیدنی] را در قرب محل نشمین هر کدام از آنها تخصیص و تعیین فرموده ازین رو از آغاز جرگه تا اتمام آن برای احدی از مدعوین و ملازمین و تبعه آنها تکلیف و زحمتی از هیچ رهگذر رونداده است، هر چیزیرا که این مهمانان عزیز خواهش کرده و فرمایش میدادند، علی الفور بامر شان ملازمین سرکاری که محض جهت خدمتگاری این ذوات معظم استخدام شده بودند، اجرا میکردند. حتی برای تادیبه نماز مصلی های رنگین را جهت تهیه نموده در اوقات صلوه بمقامات مخصوصه آن او را فراشها میگسترانیدند و برای احوال پرسوی و مداوات اشخاصیکه کمتر مرض و شکایت میداشتند، داکتر ها و مریض خانه ها که از هر گونه دوا های طبی و داکتری در آن موجود بود، ترتیب و تنظیم شده برای غسل اثواب گازر [رختشوی] و برای اصلاح موی سر و ریش حجام [اصلاً به معنی کسیکه از وجود خون میکشد، ولی در سابق همین ها در عین زمان کار سلمانی را نیز انجام میدادند] و برای تفریح خصوصی آنها نوازنده ها و مطربین مخصوص مقرر و معین گردیده بود. علاوه بر آن جهت اشخاصیکه خواهش رفتن را به تماشاگاه سینما مینمودند، از طرف حکومت علی حسب المراتب تکت های مجک لیترن مفت و رایگان نیز اعطا میشد. چنانچه در هر شب در آن نمایش یک عده بزرگ این مدعوین محترم که کمتر از هزار تن بنظر نمی آمدند، احضار یافته ساعت تیری و صرف اوقات به تفریح مینمودند. برای آن ذوات محترم که بعمل سگریت، چلم و تماکو مبتلا بودند، با اینکه ذات همایونی امثال این اعمال را بنظر نفرت و اکراه مینگرد، محض تعظیم مهمانان و تعمیل بمضمون (اکرموالضیف و لو کان کافراً) لوازمات عملیه شانرا تهیه نموده بود. در هر وقت صرف طعام برای این ضیوف ذوی الاحترام طعامهای گوناگون و مطبوخات و آدامهای از حد افزون

د پانو شمیره: له 2 تر 9

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکني د ليکنيزي بني پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولۍ

بر طبق خواهشات شان بهمراه فرنی و ماغوت، ترشی، مربا و دیگر لوازمات ماکولات و مشروبات بارده آماده و مهیا بود. اضافه برآن نان مکلف، میوه های تازه و شربنیهای هر رقم، چای، کله، پنیر و ... نیز انتظار اوامر این مهمانان عزیز را میکشیدند.

### ملاقات خصوصی لویه جرگه بحضور شاهانه

بروز اول که هیئت محترمه لویه جرگه تشریف فرمای دره با صفای پغمان گردیدند، از باعث ماندگی و تکلیف راه برای شان تا دو روز اجازه سیر و تفریح و رفع کسالت داده شده، چنانچه هر کدام از آنها جوق جوق بیک وضعیت خیلی دلکش بکمال گرمجوشی به هر طرف و کنار گشت و گذار نموده، برخی با دوستان و دیگر همقطاران خویش مصروف مکالمات و مذاکرات دوستانه بوده عموماً در زمزمه خوانی صفات عجیب و خصال غریب اولوالامر غازی خویش صرف اوقات همی نمودند و شب را با یک جهان شوق و ذوق گذرانیده، علی الصبح روز پنجشنبه ۲۵ سرطان قرار امر ملوکانه بذریعه اطلاع نامهای رسمی دائره شاغاسی شاهانه بملاقات خصوصی اعلیحضرت غازی عزافتخار نایل شدند. چنانچه عموم این مدعوین محترم باعتبار تقسیم نایب الحکومگیها و حکومتی های اعلی مخصوصاً و علیحده بسواری موترها بشرف لقای فرحت انتمای ذات همایونی در بالا باغ که محل سکونت و جای بودباش شخصی اعلیحضرت بوده از وجه عین المال خویش آنرا تعمیر کرده اند، میباشند، مشرف شده در میدان وسیع که از هر طرف آب جاری و صدای مرغان خوش الحان طاری بوده، شر شر درختهای آن که از رشحه آبش یک روح تازه در قالب هر شخص پیدا میشد و برای مدعوین محترم قبلاً چوکی و میز گذاشته شده بود و حضور موفورالسورور میزبان مهربان اعلیحضرت امیر امان الله خان مانند یک شمس خاوری در آن میان بر کرسی عالی نشسته، انتظار ورود مهمانان عزیز خود را داشته بمرجدیکه انظار سراپا انتظار این علماء، مشایخ، سادات و وکلای کبار که از روز عید الی الان از دل و جان شوق مصافحه و معانقه، بغل کشی و شرفیابی ذات همایونی را بدل میپرورانیدند، بلقایی فرحت انتمای اعلیحضرت محبوب القلوب شان بر میخورد اوضاع عجیب مودبانه و حالات غریب محبت کارانه بر آنها مستولی گشته بمقابل مراحم و الطاف و اعطاف ملوکانه نسبت بدوشان تماماً در یک عالم استعجاب و حیرت رفته اوضاع و اطوار و رفتار این پادشاه دیندار را با اعمال و افعال دیگر سلاطین مقایسه و مقابله کنان هر کدام بزبان حال میگفتند:

اینکه می بینیم به بیداریست یا رب یا بخواب. اعلیحضرت غازی با هر تنی از اوشان نوازشات خیلی محبت کارانه و وضعیت های مهمان نوازانه را مبذول فرموده، تنها تنها هر شخص را در آغوش محبت خود فشار داده از سر و روی شان بوسه گرفته بعد از آنکه همه شان بدست بوسی اعلیحضرت کامیاب و مظفر میگشتند، حسب الامر همایونی بر چوکیها موضوعه تماماً اخذ موقع نموده، ذات جهانبانی بیک وضعیت شفقت و محبت کارانه مانند یک رفیق شفیق و یک دوست خلیق که کسی این خیال را هم بدل نمی پرورانید که این پادشاه است، با اوشان مصاحبه و مکالمات دوستانه را انجام میدادند.

بعد از اینکه با همه شان ملاقات و با هر فرد شان احوال پرسوی و برخی از کلمات سطحی [مقصد معمولی است] را ایراد مینمودند بصرف چای و شیرینی اشغال ورزیده پس از اختتام ماکولات و مشروبات ذات همایونی با هر جمعیت میفرمودند که امروز ملاقات قومی همراه شما کردم سر از روز شنبه شروع حفله مبارکه لویه جرگه را خواهم نمود، بعد از استماع کلمات جوهر آیات اعلیحضرت همه مهمانان با یک دل پر از فرحت و بیک وضعیت خیلی مسرت به تذکر صفات و خصال و نوازشات و

مراحم همایونی پرداخته نطق های فصیح و بلیغی را نسبت بمساعی جمیله ملوکانه و افکار ترقی خواهانه شاهانه ایراد داشته اکثری از آنها لوایحی [مقصد نوشته ها است] را که قبلاً ترتیب و تحریر نموده بودند، بحضور همایونی قرائت میکردند و هر کدام شان در جواب خویش سخنان شیرین و کلمات از حد متین شنیده بلاخره با دلهای ناخواسته عزیمت فرمای مسکن و بامن خود ها میگردیدند.

این ملاقات ذات شاهانه مخصوصاً با جمیع نمایندگان هر نایب الحکومگی و حکومتی های اعلی که عبارت از علماء، مشایخ، سادات، وکلاء و اعزه آنجا بود، بهمین طوریکه مذکور گشت با هیئت هر ولایت، ایالت و حکومت مساویانه بذل مراحم و مکارم شاهانه شانرا فرموده بعد از صرف چای و اعطای شیرینی که در کاغذ های رنگین ملفوف میبود، مرخص میفرمودند. تا اینکه این مجلس عالییه بساعت پنج اختتام یافته باز هر کدام از مهمانان محترم با چهره های فرحان و ناصیه های درخشان در باغ عمومی که حقیقتاً تعریفش از قوه قلم بیرون است، رفته در هر گوشه و کنار با دوستان و عزیزان خویش مصاحبه های محبانه، راز و نیاز های مشفقانه نموده سر گرم حکایه رانی مهربانیهای این میزبان مهربان مهمان نواز خود ها بودند.

اگرچه قلباً این راقم الحروف خواهشمند است که تمام اجراءات و منطوقات [بیانیه ها]، عرایض و گزارشات لویه جرگه را که درین روز فیروز بترتیب فوق بحضور همایونی معروض و قرائت گردیده است، یگان یگان درج نماید اما چون تمام آنها مشتمل بر تذکر اوصاف، اخلاق، رفتار و کردار ذات شاهانه و ذکر ارتفاع مظالم و خرابی های ازمنه سابقه بوده کارروائی و مساعی حاضره ملوکانه را تماماً بنظر استحسان نگرسته از تشکیل لویه جرگه و شمولیت خود ها بدان عظمی اظهار شکران و امتنان نموده جمعاً متعهد شده اند که حقانه اظهار آرای شانرا مینمایند، بود، لذا اندراج آنرا تماماً مناسب نمی پنداشتم، زیرا از انتقال آن بجز از اینکه در حجم کتاب بیفزایم و از اوقات قیمت دار ناظرین خویش بکاهیم، دیگر فائده را عاید نخواهم کرد. اما باید بدین لطافت و نزاکت توجهات عالیات ناظرین کرام را معطوف داریم که مقصد از ملاقات همایونی با این ذوات گرامی بدین ترتیبات که شمه از آنرا مرقوم داشتیم، باعتبار ولایات و ایالت و حکومتی های اعلی بجز از اینکه آنها را از اوضاع و اطوار، شفقت و مرحمتی که با عموم ملت افغانستان بدل و جان دارند، بدانانند [آگاه سازند]، دیگر چیزی نبود و آنها را بزبان حال و لسان قال مستحضر و حالی نمودند که من از آن سلاطین و زمامداران نمیباشم که بطرف ملت و رعیت خویش بنظر تحقیر نگاه و به الفاظ زشت و نا زیبا با آنها مخاطبه کنم و یا از مصاحبه و مجالسه و رد و بدل هر نوع مذاکرات با آنها محض و تحفظ (رعب و داب) پادشاهی تجنب [اجتناب] ورزم، نی! بلکی من از آن خادمان اسلامیان و فدائی های افغانستان میباشم که در راه ترقی، تعالی، رفاه و بهبودی سکنه مملکت افغان از هیچ نوع مجهودات [جهد]، مساعیات و تشبثات خویش خود داری نمیکنم و عموم ملت خود را مانند پدر، برادر، فرزند و قره العین [نورچشم] خویش نگاشته، مانند یک عاشق شیدا مال، جان، عیش و عشرت و هستی خودم را فدای ترقیات ملت که آنها را مثل یک معشوق رعنا می انگارم، مینمایم و به آنها خوبتر فهمانید که بنزد من آن اشخاص مقبول و آن ذوات محبوبند که آزادانه با من بر طبق مقررات شرعیت و انسانیت در باره تعالیات، رفاه و بهبود ملت، مملکت و دولت مثل مذاکرات سطحی [معمولی] و شخصی امروز هر روزه در محفل لویه جرگه نیز مذاکرات و مباحثات در مواد مبحوئه نموده از من و از وزراء و مامورین دولت ابداً مرعوب [ترسنده] نشوید و در همه مذاکرات و اجراءات خداوند خود را حاضر و ناظر پنداشته، مفاد ملت و مملکت و منافع دولت خود را به پیش گرفته باصول شرعیت و انسانیت گفت و شنید نمایند.

## امامت و خطابت همایونی بروز جمعه (۲۶) سرطان در جامع امانیه پغمان

فردای آن که روز جمعه و یکروز مقدس اسلامی بود، عموم علمای محترم و مشایخ مکرم، سادات و روسای معظم همه نقاط لازمه افغانستان و باقی اهالی پغمان و نفری های ملکی و نظامی و باقی نفری در جامع امانیه آمد آمد شانرا از ساعت (۱۱:۳۰) آغاز نهاده حصه تحتانی و فوقانی این مسجد عالی باین طول و عرضی که دارد، از نفری مملو گردیده حتی در میدان وسیعی که در عقب و اطراف و جوانب مسجد میباشد نیز از اشخاص نماز گزاران پُر گردیده بود و منتظر ادای صلوة جمعه بودند.

در ضمن این بناهای مینو نشان و قصر های فرحت توامان آن مخصوصاً جامع امانیه پغمان بیشتر قابل تقدیر و خاصتاً مستحق تعریف و توصیف است. اگرما این مسجد صفا و معبد خالق ارض و سماء خود را در میان این قصوره عمارات مانند مهتاب در میان ستاره های درخشان و یا مثل آفتاب تابان در عالم امکان نمائیم، همانا که نظر بحسیات اسلامیات کارانه خویش چندان مبالغه نکرده ایم، هکذا اگر از روز های تاریخی و یادگار های شوکت انتمای او روز فیروز این جمعه مبارکه را بگوئیم که در موقع لویه جرگه ذات ملوکانه بار امامت و وظیفه خطابت را در آن بکمال طلاقت و سلامت ایفا فرموده اند، همانا که اظهار حقیقت را نموده ایم و از حکایه آن برای ملت دور دست خویش بشارتی راتحفه کرده ایم که ذات مُحی ملت افغان شهنشاه غازی عرفان پسند مان بحضور تمام مشایخ کرام و علمای عظام، وکلا و سادات و اغزه ذوی الاحترام تمام خطبه علیه افغانستان خطبه غرای را مخاطبه نموده اند که مضمون هدایت مشحون آن در ذیل قلمبند میگردد و از آن مبین و آشکار خواهد شد که طیاره افکار اسلامیان را در فضای شریعت پروری و ترقی تشویق به پرواز میدهند و اهل ایمانرا بترغیب جدیت و فعالیت یک حیات با شرف تازه می بخشند.

### خطبه اولی

الحمد لله رب العلمین ۞ نشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و نشهد ان سیدنا و مولانا محمد عبده و رسوله ۞ صلی الله تعالی علیه و علی اله و اصحابه اجمعین ۞

اما بعد:- ای برادران و عزیزانم!

خدای را شکر گذاریم که ما را در دین اسلام حیات داشته و باز پیغمبر ما که پیغمبر آخر زمان و شفاعت گر همه عاصیان است، میباشد.

اگر ما بخواهیم که در جنت برویم، رفتن آن بدست خود ماست، زیرا که اگر ما افعال شایسته مطابق شریعت (احمدیه) نمودیم، در آخرت به بهترین جنت ها خواهیم بود، چرا جنت از مسلمانان است، کسی دیگر بغیر از اسلام در آن حق ندارد.

همه تان میدانید که نماز از طرف خالق ما بالای ما فرض گردیده اگر ما این امر خدای خود را که اول ترین و مهمترین فرایض شمرده میشود، بجا بیاریم در آخرت و دنیا با عزت با شرف خواهیم بود. عرض میکنم بر نماز های خود قرار احکام خداوندی بکمال جدت و پافشاری تا بتوانید، پابند باشید، چرا اول چیزیکه خداوند در روز آخرت از ما میپرسد، نماز خواهد بود.

د پانو شمیره: له 5 تر 9

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de) یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولئ

روز محشر که جان گداز بود

اولین پرسش از نماز بود

بنابراین سبب، در نماز خود سست نباشید. امید میکنم که در تمام احکام خداوندی و ایجابات شریعت احمدی همه شما فعال و بیدار و جدی باشید. حتی اگر شما فقط بنماز خود پابند بوده او را همیشه در پنج وقت بخوانید، نه در دنیا و نه در آخرت پیش کسی خجالت خواهید کشید.

اگر کسی تا حال بنماز خود پابندی نداشته باشد و یا بترتیب نخوانده امید میکنم که از دربار خالق خود معافی گذشته را خواسته بصدق دل از ان تائب [خواهان توبه] شود. چون خدای ما مهربان است امید که قرار آیه (توبو الی الله توبه نصوحا) اگر از دل و جان صاحب حسرت و خجالت و امیدوار مغفرت خداوند باشیم، بر گناهان ما قلم عفو کشیده میشود و در آینده تا بتوانید در پابندی نماز خویش زیاده تر کوشش ورزید، اگر شما حقیقتاً خواهان ترقی و برتری باشید پس در تعلیم و تعلم آموختن علوم و فنون زیاده بر زیاده بکوشید. امروز که ما شما علماء و فضلا را بنظر عزت و احترام مینگریم، تماماً از برکت علم است، باید بیش از پیش در تحصیل آن بکوشید.

هر کسیکه خیال و آرزوی خشنودی و رضای الهی و شناسائی خداوندی را داشته باشد، بیواسطه علم بر مقصد خود کامیاب خواهد شد. گویا نجات آخرت ما علم است. آیا نمی بینید و خجالت نمیکشید از آن اشخاصیکه نسبت به ما و شما عالم و صاحب کمال و عزت و اجلال هستند بر ما فخر ها میکنند.

حقیقتاً برای شان نظر بدین ایجابات محیرالعقول که به آسمان و زیر بحر میروند و مسافت بسیار بعید زمین را بکمال مسارعت [باسرعت] طی میکنند ماشینها، توپها، تفنگها، صنعتها، حرفتها و غیره اختراعات عجیب و غریب را در معرض اجراء می آورند، میزبید که بر ما تنبلیها فخر کنند. باین لحاظ باید تا جان داریم در پی بدست آوردن همچو یک نعمت عظمی که این ترقیات را موجب است از دل و جان کوشیده تا جائیکه میتوانیم علم بیاموزیم، علم است که خداوند را بما می شناساند.

علم است که ما را موفق بحفاظت اسلام و شریعت، وطن و مملکت میسازد. علم است که نه تنها عزت و حرمت اسلامی ما را ادامه بلکه ما را برای مدافعه دشمنان و تعرض بر اعدای [دشمنان] مان مقتدر میدارد.

علم است که نسبت بدان پیغمبر ما میفرماید، علم گم کرده مسلمانان است باید که در پی تحصیل آن بهر جائیکه باشد، بکوشید.

دین ما گاهی بما اینچنین تعلیم نمیدهد که علاوه بر علوم أخروی در مفاد دنیوی خود نکوشیم. دین ما ابداً اجازه نمیدهد که قوت و آلات قاتله دست دشمنان ما بوده آنها را بر علیه ما استعمال کرده و ما از آن محروم باشیم.

شخصیکه علم ندارد گویا در دین و دنیا ذلیل و خوار خواهد بود. از برای خدا علم بیاموزید تا خدا را بخوبی بشناسید چرا که (بی علم نتوان خدا را شناخت).

حکومت شما و من عاجز کوشش ها کردیم و مکتب ها از برای تحصیل علم جهت اولاد های شما ملت تشکیل دادیم پس چرا کاهلی مینمائید و در اخذ تعلیم تنبلی می ورزید.

عناد و خصومتی را که دشمن های شما در دلهای تان می اندازد که در مکاتب شما علم دنیا جاریست، کاملاً غلط است (الحمد لله) همه شما عاقل و صاحب فهم اید و خوب میدانید که فقط علم دنیا بمدارس ما

جریان ندارد بلکه تعلیمات دینی و مسائل اخرویه و عقائد اسلامی در آنها بکمال خوبی و درستی تعلیم داده میشود، چنانچه حالا معلومات دینی عموم طلبه صنف ابتدائیه سائر مکاتب ما نسبت بطبقه عامه بعضی علمای عصر حاضر کمتر خواهد بود و ما علوم اخرویه و فنون دنیویه را ازین جهت یکجا در مکاتب خویش جاری داشته ایم که ما در دین و دنیا کار داریم و دشمنهای ما فقط در دنیا و از آخرت محروم و بی نصیب اند.

امروز دشمنهای ما به آسمان و بزیر زمین که فکر و خیال از دیدن و شنیدن آن مقصر [کوتاه] است، پرواز و رفتار دارند. بدا بر حال فلاکت ما اسلام در گنج گم نامی و بدنمایی خزیده بر خلاف فرموده خدا و پیغمبر خود که (و اعدولهم ما اسطعتم من قوة و من رباط الخیل...الایه)، دست دشمن های خود را بر سر خود دراز مینمائیم.

محض جهت حفاظت دین مقدس اسلامی و ترویج شریعت غرای نبوی و اعلاى کلمته الله بر همه ما ضرور و لازم است که علوم دینی را بیشتر خوانده علم دنیا را هم یاد داشته باشیم، تا آن چیز را که بواسطه اش دشمن خود را مغلوب و مفتوح سازیم نیز بچنگ آریم و آن چیست، توپ، تفنگ، کارطوس، باروت و دیگر آلات جارحه.

اگر خود ما چنین اشیای قاتله را نداشته باشیم و بر ساختن و پیدا نمودن آن مقتدر نباشیم، آیا دشمن های ما برایما توپ اعلى و کارطوس خوب خواهند داد که بواسطه آن خود شان از دست ما خراب و ابتر شوند؟ نی! گاهی بما نمیدهند بلکه خود ما را هدف اسلحه آتشین خود نموده هستی و زندگانی ما را بخاک برابر مینمایند. اگر چه حافظ دین اسلام خود خداوند است باز اگر ما و شما فعالیت و جدیت را بکار بریم خالی از فایده نیست، با اینهم خدا را شکر میگویم آن عالم اسلام را که همیشه [قریب] کفار خورده بودند و خیال پریشانی و تباهی شانرا همواره بدل می پروراندند، (الحمد لله) فی الحال بیدار شده متحداً بشاهراه ترقی خود ها پویانند و دشمن و دوست خود را بخوبی می شناسند.

در حقیقت جمیع علوم و فنون که امروز بنظر ما میخورد و دشمنان ما را برایجادات غریب و عجیب موفق ساخته همه از عالم اسلام بود، چه شد که اسلام به عیش و ساعت تیری، نفاق خانگی، استراحت و تنبلی گرفتار شده آن میراث خود را واگذار شدند. آن دشمنهای عالم اسلام که همیشه در صدد همین امر بودند تا به علیه ما کامیاب گردند، از دست غفلت خود ما اسلامیان سلطه و اقتدار پیدا کردند.

خیر گذشته گذشت و آینده باید از مکر و خدعه دشمن هوشیار باشیم با اینکه حافظ و ناصر دین مقدس نبوی خود پروردگار است، با هم باید ما و شما بیشتر بکوشیم تا آن عزت و شوکتی را که خداوند بما مسلمانان وعده فرموده از دست ما و شما در معرض وجود آید تا مسلمانان آینده بگویند که ترقی اسلام و ترویج دین مبین سید الانام در عصر من عاجز باتفاق، اتحاد و جان فشانی علماء، فضلا و روسای این زمان که شمائید در معرض وجود آمده است تا یک نام نیک و نشان خوبی ازین سلطنت و ملت حاضره ما در صفحه روزگار بطور یادگار باقیماند، بنابراین من خادم اسلام، شما وکلاء و فضلاء ملت را خواستم تا کوشش کنید، عموم افراد ملت را بطرف علوم و فنون میلان بدهید تا آن چیز های را که دشمنهای ما از ما غضب کرده اند، از اوشان پس بگیریم. فعال، بیدار، شجاع، صاحب عدل و انصاف و مالک جاه و جلال از دست رفته خویش مجدداً بشویم.

یک شخص نمیتواند که همه علوم را برای یک فرزند خویش در خانه تعلیم دهد یا معلمی را مخصوصاً برای وی تخصیص کند، ازینرو حکومت شما برای تان مدارس متعددی طرح افکند و معلمین مزیدی را در آنها مستخدم نموده و علوم دینی و فنون دنیویه را در آن جریان داده، مصارفات و پول آنرا دولت

متعهد گشته تا شما بکمال اطمینان فرزندان خود را در آن تعلیم دهید. از برای خدا اولاد های خود را چرا در مکاتب داخل نمیکنید و در مقابل اینهمه زحمات و دلسوزی حکومت خویش، شما چرا تنبلی و کاهلی نموده بر حیات و زندگانی آینده پسران خویش حسرت نمیخورید و دلسوزی نمیکنید که بی علم، جاهل و بی کمال میمانند. (والله) اگر شما بمکاتب نرفتید، خود را بدست خود خراب مینمائید.

هر امری را که خداوند ما بر ما میفرماید چه در تحصیل علوم و فنون و چه در امورات دینی و دنیوی تماماً برای فائده خود ماست. خداوند تعالی بروزه و نماز ما احتیاج ندارد و نه عظمت و جبروت او از عصیان و نافرمانی ما کم میگردد، فقط هر چه میکنیم و هر اوامرش را که تعمیل مینمائیم برای خود میکنیم. اگر نماز میخوانیم و یا روزه میگیریم فائده اش برای خود ما و شما است. باید در ارشادات الهی یک جدت و فعالیت فوق العاده را بکار برده گاهی از احکام خداوندی و از اوامر حضرت نبوی انحراف نوزیم و دشمن خود را بر خود غالب و فاتح نگردانیم. لازم است که در راه ترقی اسلام کوشش کنیم و تا ریزانیدن [ریختاندن] قطره آخرین خون خود در راه عالم اسلام حاضر باشیم و روی خود را از دشمنان اسلام نگردانیم و سر خود را پیش اعدای مسلمانان خم نکنیم. پیغمبر ما میتوانست که به بسیار سهولت و آسانی بیک اشاره تمام عالم کفر را مسلمان ساخته دین مبین خود را منور و روشن میساخت، چراغ کفر را خاموش میگرددانید. اما باین لحاظ درین موضوع از روحانیت، عصمت و عظمت خود کار نگرفت و هر چه کرد بزور شمشیر و سعی و کوشش خود در ترویج دین اسلام کوشید تا تعلیم جدت و فعالیت و مقاومت را به امت خویش آموختانده آنها را بعیش پرستی و تنبلی تشویق نمودند.

اگر چه امیدواریم، وعده که خالق بی نیاز ما با ما کرده در آخرت در جنت خواهیم بود و بقدر گناه و نافرمانی که از اوامرش کرده باشیم در دوزخ خواهیم سوخت اما در خاتمه اطمینان داریم که در جنت میرویم، لکن از لطف خداوندی آرزو داریم که در روز محشر بشفاعت پیغمبر خود از تمام گناهان مغفور و در بهترین جنتها برویم.

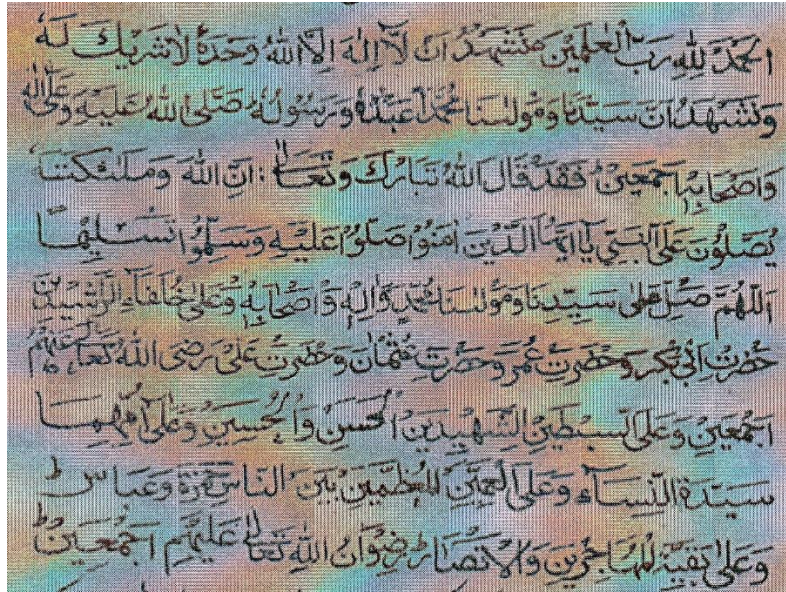
عرض آخرین من چنین است که ما و شما باید کوشش کنیم و جان خود را فدای دین سازیم، خونهای خود را در راه او بریزانیم تا آن چیزهای را که دشمنان از ما سلب نموده اند به فدا کردن سر خود از او شان باز گیریم. مسلمانی که صادق و در اسلامیت خویش محکم و پایند باشد، گاهی در راه خدمت اسلام تنبلی و کاهلی نمیکند، اگر چه بداند که در میان باران گله های توپ و تفنگ باشد زیرا میداند که بی اجل مرگ نیست. (والله) اگر خودم در میان آتش تفنگ باشم، گاهی خوف و هراس را به دل خود جا نمیدهم. میدانم تا زمانیکه اجلم نرسیده باشد یکقدری برایم ضرر و نقصانی عاید نخواهد شد، چنانچه آیه شریفه مبارکه است که (اذاجاء اجلم الخ)

ای برادران بیائید که کوشش کنیم و سعی نمائیم تا در مقاصد دین و دنیوی خود ها کامیاب باشیم. ما مسلمانها هم برای آخرت خود کار میکنیم و هم برای دنیای خود. بغیر اسلام دیگران بکار دنیا مشغولیت داشته، الله تعالی از آخرت بی نصیب شان کرده و هر ترقی و بهبودی که است فقط در دنیا برای شان داده است. والله جگرم کباب گردیده سینه خود را چاک کرده میگویم از برای خدا ای عالم اسلام چه شد شما را که بخواب غفلت غنوده و چه پیش آمد شما را که به کنج کسالت خموده اید، آن عالم اسلام چه شد که همیشه دشمن خود را مغلوب میساخت؟ آن عالم اسلام کجا شد که ممالک اعداء خود را بزور سوت مفتوح میگرددانید؟ که امروز نسبت بعالم اسلام یک بیوه زن شرف و عزت دارد؟ (درینموقع قطرات عبرات از چشم نرگس وش شاهانه ترشح نموده گل عارضش را آبیاری مینمود) از برای خدا و رسول خدا! دست اتفاق و اتحاد را با یکدیگر بدهید که دشمنان تان در پی انهدام و خرابی شما همیشه



جاهدانه میکوشند. بیائید تا به پیش خدای خود عرض کنیم، ای خدا! تو دیده بودی آن اسلام را که در اوج ترقی و تعالی عروج داشت و لوای زیبای اسلامیت را بر دوش همت خود بر روی عالم بر افراشت و دشمنان خود را از هیبت و سطوت اسلامی در لرزه می انداخت، از برکت روحانیت حضرت رسول مقبولت مجدداً باز آن اتحاد و اتفاق، فعالیت و شجاعت، هیبت و سطوت را نصیب این باز ماندگان بیچاره اسلامی عطا و مرحمت و کرامت فرما، مخصوص قوم افغان را در دین و دنیا سُرخرو و کامیاب گردان - اللهم ربنا اتنا فی الدنيا حسنة و فی الآخرة حسنة الایه.

### خطبه ثانی



إله العالمینا! برای عالم اسلام خصوصاً برای قوم افغان ترقیهای را که تو میدانی نصیب بگردانی. بحضور برادران خود عرض میکنم که بیدار شوید اگر چه الحمد لله این جوش و خروش را که در بین عالم اسلام میبینم، امید وار میشوم که بیدار خواهند بود.

خدایا به دربار تو امیدواریم که کسی از بارگاہت بی نیاز باز نگشته، کسیکه بی نصیب از حضورت گردیده شیطان است، ما را در آخرت پیش خودت و آنحضرت سرخ رو و با عزت بداری، دعا میکنیم که برادر های ترکی و دولت ایران، ترکستانیها، هندیها، مسلمانان چینائی و عموم ملت اسلامیه را که در هر نقطه دنیا باشند، در دین و دنیا با عزت و با شرف و نیکنام بداری. الهی بحرمت حضرت رسولت عالم اسلام را ازین حال فلاکت و پریشانی بکشی [بیرون کنید]، علی الخصوص قوم افغان را و من عاجز را که خدمتگار دین مبین سید المرسلین میباشم توفیق خدمت عطا کنی، تا در راه اسلام یک خدمت شایان تقدیر ابراز نمائیم و عسکر افغانستان را همیشه مظفر و کامیاب داشته باشی و سرش را پیش دشمن خم نگردانی و همیشه نوک برچه شانرا بنوک چشم دشمنان لاله سان بداری. بارک الله لنا و لكم الخ.

### (ادامه در قسمت پنجم)

د پانو شمیره: له 9 تر 9

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de) یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولئ